



فصلنامه علمی، فرهنگی و اجتماعی

## پرتو هدایت

سال اول، شماره اول، زمستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز:

شورای علمی نویسندگان پرتوهدایت

مدیرمسئول: دکتر اسدالله رضایی

سر دبیر: محمد حنیف رحیمی

طراح و صفحه آرا: م. فیاضی

### اعضای هیئت تحریریه

اسدالله رضایی، علی جان سعیدی، عبدالله نظری، محمد رضا

اخلاقی، محمد لطیف محبی، محمد حنیف رحیمی، عبدالعزیز فهیمی،

علی جان حلیمی، حمیدالله رضایی، عبدالقیوم مظفری

## شیوه‌نامه و شرایط تنظیم مقالات

- ✍ مقالات ارسالی باید برخوردار از روش‌های پژوهشی - نگارشی روز بوده، مستند و مستدل و با قلم روان به زبان فارسی نگارش یافته باشند.
- ✍ مقالات ارسالی باید واجد انسجام محتوایی و ساختار منطقی؛ یعنی دارای عنوان، مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.
- ✍ ارجاعات مقاله به شیوه درون‌متنی (نام خانوادگی، سال انتشار؛ جلد، شماره صفحه) باشد.
- ✍ فهرست منابع در پایان مقاله بدین صورت آورده شود: **کتاب:** نام خانوادگی، نام، (سال نشر)، نام کتاب، مصحح یا مترجم، نوبت چاپ، محل نشر. **نشریه:** نام خانوادگی، نام، (سال نشر)، عنوان مقاله، نام نشریه، شماره نشریه، ماه یا فصل، (صفحات ابتدا و انتهای مقاله).
- ✍ مقالات ارسالی با فاصله یک سانتی‌متر بین سطور، متن عادی با قلم IRNazanin پوینت ۱۴ و متن لاتین با قلم Times New Roman پوینت ۱۲ و پاورقی و فهرست با قلم IRNazanin پوینت ۱۰ باشند.
- ✍ حداکثر در ۲۵ و حداقل در ۵ صفحه A4 باشد.
- ✍ مقالات با نرم‌افزار Word تایپ شده و همراه PDF ارسال شود.

## آدرس و شماره ارتباطی

- ✍ آدرس الکترونیکی (ایمیل) و ارسال مقاله: (arizaiy@yahoo.com).
- ✍ شماره ارتباطی و ارسال مقاله (ایتا، تلگرام، واتساپ) (۰۹۱۹۱۹۷۱۲۴۸).

## یادآوری

- فصل‌نامه «پرتو هدایت» از آثار همه‌ی اهل قلم استقبال می‌کند.
- حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای نشریه محفوظ است.
- مطالب مقالات بیان‌گر آراء نویسندگان آن و مسئولیت آن نیز بر عهده خود آنان است.
- مقالات دریافتی در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود.
- استفاده و نقل مطالب نشریه با ذکر منبع بلامانع است.
- پیشنهادها و انتقادهای سازنده شما، راه‌گشای ما خواهد بود.

## فهرست مطالب

بازشناسی مفهوم بلا، سوانح، بلایی طبیعی و تأثیر رفتار در بروز آنها از دیدگاه قرآن کریم..... ۳

اسدالله رضایی

تحلیل نقش دین در انسجام اجتماعی: رویکردی مقایسه‌ای بر دیدگاه اندیشمندان اسلامی..... ۲۱

محمد حنیف رحیمی

نقش مخرب کشورهای استعماری در افغانستان..... ۴۵

عبدالله نظری

حجیت عقل در تفسیر قرآن کریم..... ۵۹

محمد لطیف محبی

بررسی رابطه ژنتیک و جرم از منظر جرم‌شناسی و آموزه‌های اسلامی..... ۸۱

محمد رضا اخلاقی

بررسی تطبیقی وجود از منظر متکلمان و فلاسفه مسلمان..... ۱۰۳

علی جان سعیدی

فصل نامه علمی، فرهنگی و اجتماعی

## پرتو هدایت

سال اول، شماره اول، زمستان ۴۰۳  
ص ۴۵ تا ۵۸

# نقش مخرب کشورهای استعماری در افغانستان

عبدالله نظری\*

## چکیده

افغانستان به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و منابع غنی طبیعی، همواره هدف طمع‌ورزی قدرت‌های بزرگ بوده است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیرات مخرب استعمارگری در افغانستان و پاسخ به این پرسش که "مداخلات استعمارگران چه تأثیرات پایدار و مخربی بر تاریخ، فرهنگ، اقتصاد و جامعه افغانستان گذاشته است؟

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مداخلات استعماری در افغانستان، منجر به بروز جنگ‌های طولانی‌مدت، تخریب زیرساخت‌ها، بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی، عقب‌ماندگی اقتصادی و فرهنگی، و افزایش آوارگی و پناهندگی شده است. قدرت‌های استعماری با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف از جمله نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، به دنبال تضعیف افغانستان و بهره‌برداری از منابع طبیعی این کشور بوده‌اند. در قرن نوزدهم بریتانیای کبیر، در قرن بیستم شوروی سابق و در قرن بیست یکم آمریکا با همسویی سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) به صورت عریان و آشکار این کشور تاریخی را مورد تجاوز و غارتگری قرار دادند.

این پژوهش هم چنین نشان می‌دهد که استعمارگری استعمارگران بین‌المللی به هویت ملی، فرهنگ و ساختار اجتماعی افغانستان آسیب‌های جدی وارد کرده است. در نهایت، این پژوهش با تأکید بر مقاومت مردم افغانستان در برابر استعمارگران، به نقش آن‌ها در حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور پرداخته است.

**کلیدواژه‌ها:** افغانستان، استعمار، مستشرقان، ژئوپلیتیک، منابع طبیعی، مقاومت و استقلال.

\* . دکترای علوم سیاسی . [Abdu.nazari@yahoo.com](mailto:Abdu.nazari@yahoo.com)



## مقدمه

افغانستان با دارا بودن منابع غنی معدنی و موقعیت ژئوپلیتیکی، همواره در کانون توجه قدرت‌های بزرگ قرار داشته است. این موقعیت استراتژیک سبب شده تا این کشور به عرصه‌ای برای رقابت‌های سیاسی و نظامی قدرت‌های استعماری تبدیل شود. سوال اصلی این است که چرا افغانستان به طور مستمر در معرض مداخلات خارجی و جنگ قرار داشته و مردم آن از نعمت آرامش و ثبات محروم مانده‌اند؟ چرا مردم افغانستان مدام زیر فشار مداخلات خارجی قرار می‌گیرند و چرا این سرزمین همواره مورد تجاوز قدرت‌های خارجی قرار گرفته و مانع ثبات سیاسی و اجتماعی شده‌اند؟

پاسخ موقت و مفروض نگارنده با روش تحقیق کتابخانه‌ای در قبال پرسش‌های فوق این است که موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی این کشور، زمینه‌ساز مداخلات قدرت‌های خارجی بوده که همواره این کشور را در معرض بحران، ناامنی و جنگ قرار داده است.

موقعیت استراتژیک افغانستان، این کشور را به محل تلاقی منافع قدرت‌های بزرگ تبدیل کرده است. در طول تاریخ، قدرت‌های استعماری و منطقه‌ای، با هدف گسترش نفوذ خود و کنترل منابع افغانستان، به این کشور حمله کرده‌اند. این مداخلات، منجر به بی‌ثباتی سیاسی، جنگ‌های داخلی و تخریب زیرساخت‌های کشور شده است.

علاوه بر موقعیت ژئوپلیتیکی، منابع غنی معدنی افغانستان نیز، از جمله عوامل مداخلات خارجی بوده است. قدرت‌های استعماری، با هدف بهره‌برداری از این منابع، به دنبال کنترل افغانستان بوده‌اند.

همچنین، اختلافات داخلی و تفرقه‌های قومی و مذهبی، زمینه‌ساز مداخلات خارجی و جنگ‌های داخلی در افغانستان شده است. قدرت‌های خارجی، با بهره‌گیری از این اختلافات، به دنبال تضعیف دولت مرکزی و تحمیل اراده خود بوده‌اند.

بنابراین، موقعیت ژئوپلیتیکی، منابع غنی معدنی و اختلافات داخلی، از جمله عوامل اصلی مداخلات خارجی و بی‌ثباتی در افغانستان بوده‌اند. برای دستیابی به صلح و ثبات پایدار، لازم است که مردم افغانستان با اتحاد و همدلی، به دنبال حل اختلافات داخلی و مقابله با مداخلات خارجی باشند.



## افغانستان و جغرافیایی آن

افغانستان از منظر ژئوپلیتیکی، نقطه اتصال و محل عبور دو کمر بند تکنیکی «هیمالیا و قفقاز» است که دارای معادن بکر و دست نخورده می باشد. به عنوان مثال، معادن شمال افغانستان از نوع رسوبی بوده و دارای بالاترین میزان نفت و گاز در این ناحیه است. این ناحیه که از «تیر پل» هرات تا ولایت بغلان امتداد دارد، شامل یازده میدان نفتی - گازی است که ساختارهای «آنتی کلین و سین کلین» آن به چندین میدان مجزا تقسیم می شود. میزان گاز این مناطق، چند میلیارد متر مکعب تخمین زده می شود. (حقجو، ۱۳۸۰: ۱۰۰)

معادن مناطق مرکزی افغانستان: از هرات تا جبل السراج (نزدیکی کابل)، یک میدان آهنی وجود دارد که بزرگترین آن در معادن منطقه «حاجی گگ» قابل مشاهده است. در این معدن، ۱۷ میلیارد تن سنگ آهن محاسبه شده که ۸ تا ۱۰ میلیارد تن آن، آهن خالص است و مابقی در جبل السراج قرار دارد. تمامی معادن گران بها از قبیل آهن، سرب، روی، سولفید مس، هماتیت، کرومیت، لیمونیت، آراگونیت و... در همین مسیر واقع شده اند.

همچنین، مواد رادیواکتیو و مس طلا دار به صورت یک خط امتداد دارند. خط دیگری از جنوب، یعنی از کوه سلیمان به امتداد شمال شرق، خط معادن سنگین را تشکیل می دهد. معادن سنگین موجود در استان لوگر، شامل معادن کرومیت و مس منطقه عینک لوگر است. در این مسیر، حدود ۳۲ عنصر مهم شناسایی شده که ۳-۴ عنصر آن رادیواکتیو، پلاتین و مس طلا دار هستند.

در شمال شرق افغانستان، خط مهم دیگری وجود دارد که انواع سنگ های قیمتی مانند بریل، زمرد، لاجورد، لعل، مسکویت، یوتیت، سیلیمانایت، طلا، کوارتز و انواع بریل در آن یافت می شود. در دره نور و دره پیچ، تا ۲۰۰ نوع بریل، از جمله کنیزیت، وجود دارد که تنها مقدار فراوان آن در افغانستان یافت می شود و یکی از کاربردهای آن در ساخت سلاح های استراتژیک در بمباران های هسته ای است.

همچنین، در شمال افغانستان (بدخشان و تخار)، طلای رسوبی یا طلای پلاسرو وجود دارد که مقادیر زیاد آن در بین برش ها و کنگلومراها در اثر تخریب سنگ ها رسوب و



مشاهده شده‌اند. این طلای رسوبی، در دریای کوچک به ویژه دریاچه نو در بدخشان رسوب می‌کند. در افغانستان، انواع مختلفی زغال سنگ در معادن هشیسته، کرکر، دره صوف و خنجان وجود دارد.

در زمان ریاست جمهوری داوود خان، یک میدان نفتی دیگر در مناطق جنوب افغانستان توسط «کمپانی توتال فرانسه» کشف شد که امتداد آن تا شمال پاکستان می‌رسد. این مسئله با فشار روس‌ها مسکوت گذاشته شد تا پای دولت‌های غربی در این منطقه باز نشود. همچنین، در اطراف قندهار و لشکرگاه (هلمند)، معادن اورانیوم کشف شد که به احتمال زیاد، اختلافات و رقابت‌های استعماری روس و آمریکا بر سر این منطقه بوده است و آمریکایی‌ها در زمان محمد ظاهر شاه به آن منطقه چشم دوخته بودند. (حقجو، ۱۳۸۰: ۱۰۱-۱۰۲)

در هر دوره تاریخی، کشورهای استعماری در صدد تسخیر کشور افغانستان و سرکوب مردم قهرمان و فداکار این سرزمین برآمدند تا روحیه وطن‌دوستی را در آنها از بین ببرند و بر منابع هنگفت و گران‌بهای طبیعی و جغرافیایی این کشور مسلط شوند و به غارت و چپاول سرمایه مادی و معنوی آن پردازند و از موقعیت جغرافیایی بی‌نظیرش در راستای توسعه منافع خود علیه کشورهای همجوار بهره ببرند. لذا، این موقعیت بی‌نظیر افغانستان زمینه‌ساز تحولات سیاسی، نظامی و اقتصادی بوده است.

## ۱. جنگ اول افغانستان و انگلیس

امپراتوری بریتانیا با هدف گسترش نفوذ خود در آسیای میانه و جلوگیری از نفوذ روسیه به هند، به دنبال کنترل افغانستان بود. منابع غنی و موقعیت استراتژیک افغانستان، این کشور را به هدفی جذاب برای بریتانیا تبدیل کرده بود. بریتانیا با استفاده از بهانه‌های مختلف، به دنبال فرصتی برای مداخله در امور داخلی افغانستان بود.

رقابت بین امپراتوری‌های بریتانیا و روسیه، معروف به "بازی بزرگ"، نقش مهمی در شکل‌گیری سیاست بریتانیا در قبال افغانستان داشت. بریتانیا، با توجه به موقعیت جغرافیایی افغانستان، این کشور را به عنوان حائلی بین هند و روسیه می‌دید و تلاش می‌کرد تا از نفوذ روسیه در این منطقه جلوگیری کند.





در طول قرن نوزدهم، بریتانیا سه بار به افغانستان حمله کرد. این جنگ‌ها، با مقاومت شدید مردم افغانستان مواجه شد و در نهایت، منجر به شکست و عقب‌نشینی بریتانیا گردید.

جنگ اول انگلیس و افغانستان (۱۸۳۹-۱۸۴۲) در جنوب دره هلمند رخ داد. (غبار، ۱۳۷۵: ۳۵۰) در این جنگ، دوست محمد خان تسلیم و به هند تبعید شد و شاه شجاع با حمایت نیروهای انگلیسی در کابل به قدرت رسید.

مردم افغانستان به مقاومت در برابر نیروهای انگلیسی پرداختند و کابل را محاصره کردند. در ژانویه ۱۸۴۲، انگلیسی‌ها اعلام کردند که حاضر به تخلیه کابل هستند. دولت کابل به نیروهای انگلیسی تضمین داد که در مسیر بازگشت به هند، به آنها آسیبی نرساند. اما مردم افغانستان این تضمین را نپذیرفتند.

هنگامی که نیروهای انگلیسی، به همراه زنان، کودکان و خدمه، در حال بازگشت به هند بودند، مردم افغانستان به آنها حمله کردند و تقریباً همه را قتل عام کردند. یک سال بعد، نیروهای انگلیسی برای انتقام، به کابل حمله کردند و قلعه و بازار بزرگ شهر را به آتش کشیدند.

در این زمان، شورای مخالفان به نام شورای عالی مجاهدین تشکیل شد. اعضای این شورا عبارت بودند از: نایب امین الله خان لوگری (رئیس شورا)، وزیر محمد اکبر خان، شیرین خان جوانشیر چنداولی، حاجی علی آقا حسین و حسین کاکه. سرانجام، مخالفان پس از هماهنگی، علیه شاه شجاع قیام کردند و او را در نبرد کشتند. پس از کشته شدن شاه شجاع، دوست محمد خان از هند به افغانستان بازگشت و با استقبال مردم، مجدداً به قدرت رسید. (<http://fararu.com/fa>).

## ۲. جنگ دوم انگلیس و افغانستان

جنگ دوم انگلیس و افغانستان در سال ۱۸۷۸ آغاز شد. بریتانیا با هدف گسترش نفوذ استعماری خود در آسیای میانه و کنترل سیاست‌های داخلی و خارجی افغانستان، به این کشور حمله کرد. این جنگ، بخشی از رقابت‌های استعماری بریتانیا و روسیه در منطقه، معروف به "بازی بزرگ"، بود.





بریتانیا با استفاده از سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن"، اختلافات قومی و قبیله‌ای را در افغانستان دامن زد و تلاش کرد تا با حمایت از برخی سران قبایل، نفوذ خود را در این کشور افزایش دهد.

امیر شیرعلی خان، حاکم وقت افغانستان، که در ابتدا با جلب حمایت بریتانیا به قدرت رسیده بود، پس از تحکیم پایه‌های حکومتش، به دنبال استقلال و انجام اصلاحات بر اساس نظرات سید جمال‌الدین اسدآبادی برآمد. این اقدامات، با مخالفت بریتانیا روبرو شد و زمینه‌ساز حمله نظامی این کشور به افغانستان گردید.

در ۲۱ نوامبر ۱۸۷۸، بریتانیا از سه جهت (قندهار، خیبر و کرم) به افغانستان حمله کرد. امیر شیرعلی خان که در اواخر عمر خود قرار داشت، دستور مقاومت نداد و ارتش بریتانیا به آسانی وارد خاک افغانستان شد.

با این حال، مقاومت مردمی در برابر اشغالگران بریتانیایی آغاز شد. مردم افغانستان با دلاوری و استعمارستیزی، به مبارزه با نیروهای بریتانیایی پرداختند. این مقاومت، در نهایت منجر به شکست و عقب‌نشینی بریتانیا از افغانستان گردید (<http://fararu.com/fa>)

### ۳. انقلاب هفت ثور

اتحاد جماهیر شوروی، به عنوان یکی از دو ابرقدرت جهانی در دوران جنگ سرد، به دنبال گسترش نفوذ خود در مناطق استراتژیک جهان، از جمله افغانستان بود. این کشور، با هدف دستیابی به آب‌های گرم اقیانوس هند و تحقق رویای "پتر کبیر"، به دنبال ایجاد دولتی دست‌نشانده در افغانستان بود. شوروی، با استفاده از ابزارهای مختلف، از جمله تبلیغات رسانه‌ای و نفوذ در میان گروه‌های سیاسی افغانستان، زمینه‌های مداخله خود را در این کشور فراهم کرد. این کشور، با حمایت از حزب دموکراتیک خلق افغانستان، که دارای گرایش‌های کمونیستی بود، به دنبال ایجاد دولتی همسو با منافع خود بود.

در ۷ ثور ۱۳۵۷ (آوریل ۱۹۷۸)، حزب دموکراتیک خلق افغانستان با انجام کودتایی، دولت محمد داوود خان را سرنگون کرد و قدرت را در دست گرفت. این کودتا، که به "انقلاب ثور" معروف شد، با حمایت شوروی انجام شد و زمینه‌ساز مداخله مستقیم این کشور در افغانستان گردید.





شوروی، با استفاده از این فرصت، نفوذ خود را در افغانستان افزایش داد و به تدریج، کنترل امور سیاسی، اقتصادی و نظامی این کشور را در دست گرفت. این کشور، با ارائه کمک‌های نظامی و اقتصادی به دولت کمونیستی افغانستان، به دنبال تثبیت موقعیت خود در این کشور بود.

با این حال، حضور شوروی در افغانستان، با مقاومت گسترده مردم این کشور مواجه شد. مجاهدین افغان، با حمایت کشورهای غربی و اسلامی، به مبارزه با نیروهای شوروی پرداختند و در نهایت، منجر به خروج این نیروها از افغانستان در سال ۱۹۸۹ گردید.

در دوران ریاست جمهوری محمد داوود خان، افغانستان با چالش‌های اقتصادی و نارضایتی‌های عمومی مواجه بود. با این حال، داوود خان پس از به قدرت رسیدن، تلاش کرد تا نفوذ شوروی و قدرت نیروهای چپ در افغانستان را کاهش دهد و روابط خود را با غرب و کشورهای همسایه گسترش دهد.

برای محدود کردن قدرت کمونیست‌ها، داوود خان اقداماتی انجام داد. او برخی از وزیران شناخته شده را از کابینه اخراج و به عنوان سفیر به کشورهای خارجی فرستاد تا از مرکز قدرت دور باشند. (فرهنگ، ۱۳۸۸: ۱۸)

در سفر دوم داوود خان به مسکو در اردیبهشت ۱۳۵۶، لئونید برژنف به صراحت به او هشدار داد که از نزدیک شدن به کشورهای غربی خودداری کند. اما داوود خان با قاطعیت پاسخ داد که افغانستان در اتخاذ سیاست خارجی مستقل است و اگر روزی بخواهد از همکاری با کشورهای خارجی چشم‌پوشی کند، این تصمیم شامل همه کشورها خواهد شد. (مقدم، ۱۳۶۶: ۶۲)

این واکنش داوود خان، نشان‌دهنده استقلال او از شوروی بود. در نتیجه، عناصر طرفدار شوروی برای سرنگونی حکومت داوود خان دست به کار شدند و کودتای ۷ ثور را به راه انداختند.

کودتای ۷ ثور، که به "انقلاب ثور" معروف شد، یکی از مرموزترین رویدادهای تاریخ معاصر افغانستان است. برخی مورخان و کارشناسان معتقدند که تلاش داوود خان برای





فاصله گرفتن از شوروی و جذب کمک‌های خارجی از کشورهای اسلامی، از جمله دلایل سرنگونی او بود. (بینش، ۱۳۸۸: ۱۹۶)

پس از آخرین مذاکرات محمد داوود خان با لئونید برژنف در مسکو در سال ۱۹۷۷، داوود خان سفرهایی به کشورهای متحد غرب در منطقه انجام داد. او پس از بازگشت از ایران، در سخنرانی خود در هرات، "ایدئولوژی تحمیل شده از خارج" را محکوم کرد. در همان سال، داوود خان اقدام به پاکسازی ارتش و دولت از اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان (ح.د.خ.ا.) نمود.

داوود خان همچنین روابط خود را با پاکستان، که به دلیل اختلافات بر سر منطقه پشتونستان و حمایت پاکستان از اسلام‌گرایان مخالف دولت افغانستان تیره شده بود، بهبود بخشید. او روابط خود را با ایران نیز با دریافت کمک مالی دو میلیارد دلاری از محمدرضا پهلوی، شاه وقت ایران، تقویت کرد. این اقدامات، عملاً شوروی را به دومین حامی مالی افغانستان تبدیل کرد.

یکی از دلایل بهبود روابط داوود خان با ایران و پاکستان، سوءظن شدید این کشورها به گرایش‌های چپ‌گرایانه در دولت افغانستان بود. گفته می‌شود که سازمان اطلاعات و امنیت ایران (ساواک) و سرویس اطلاعاتی پاکستان (ISI) فعالیت‌هایی ضد رژیم کابل در این کشور داشتند. داوود خان همچنین به دنبال گسترش روابط با دیگر کشورهای عربی منطقه بود.

داوود خان با حذف و سرکوب عناصر کمونیست از دولت و ارتش، از جمله اخراج دویست افسر تحصیل کرده در شوروی و برکناری وزرای کمونیست، خشم شوروی را برانگیخت. این اقدامات، منجر به مشاجره تند بین داوود خان و برژنف در سفر دوم داوود خان به شوروی شد و حمایت شوروی از حزب دموکراتیک خلق افغانستان را افزایش داد.

مرگ مرموز میر اکبر خیبر، از رهبران حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در ۲۸ فروردین ۱۳۵۷ (۱۷ آوریل ۱۹۷۸)، نقطه عطفی در کشمکش‌های بین حزب و رژیم بود. مراسم تشییع جنازه او به تظاهرات گسترده‌ای در کابل منجر شد که دولت را نگران کرد.



در شب ۲۵ آوریل، اعلام شد که برخی از رهبران حزب دموکراتیک خلق افغانستان، از جمله نورمحمد ترکی و ببرک کارمل، دستگیر شده‌اند. حفیظ‌الله امین و دیگر مقامات حزبی نیز تحت نظر قرار گرفتند یا مخفی شدند. از آنجا که احتمال دستگیری رهبران حزب پس از تشییع خیبر وجود داشت، برنامه‌ریزی کودتا با هماهنگی حفیظ‌الله امین و افسران حزبی انجام شد.

در ۷ ثور ۱۳۵۷ (۲۷ آوریل ۱۹۷۸)، به دستور حفیظ‌الله امین، کودتا آغاز شد. مراکز مهم دولتی تصرف و کاخ ریاست جمهوری محاصره شد. پس از مقاومت شدید گارد ریاست جمهوری، داوود خان و خانواده‌اش به قتل رسیدند.

اگرچه برخی، مانند سرهنگ عبدالقادر، دخالت خارجی در کودتا را رد می‌کنند، اما شواهد نشان‌دهنده هماهنگی و حمایت شوروی از کودتاگران است. دستور امین به گلاب‌زوی در مورد تماس با مسکو در هنگام درگیری‌ها در کابل، نشان‌دهنده این حمایت است. (کودتای هفت ثور: [http://en.wikipedia.org\\_in\\_Afghanistan](http://en.wikipedia.org_in_Afghanistan))

#### ۴. جنگ شوروی در افغانستان

در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، افغانستان به صحنه رقابت دو ابرقدرت جهانی، ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی، تبدیل شد. این رقابت، زمینه‌ساز مداخله نظامی شوروی در افغانستان گردید.

شوروی با هدف گسترش نفوذ خود و تبدیل افغانستان به حوزه نفوذ خود، از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ (آوریل ۱۹۷۸) حمایت کرد. این کودتا که توسط حزب دموکراتیک خلق افغانستان انجام شد، به قدرت رسیدن دولت کمونیستی را در پی داشت. شوروی، این کودتا را به عنوان پیروزی استراتژیک خود در برابر آمریکا تلقی می‌کرد. (حقیجو، ۱۳۸۰: ۸۱)

هدف شوروی، ایجاد دولتی دست‌نشانده در افغانستان بود که منافع آن را تامین کند. برای این منظور، از طریق امضای معاهدات محرمانه و ارائه کمک‌های نظامی و اقتصادی، نفوذ خود را در دولت افغانستان افزایش داد. (پاپلی، ۱۳۷۳: ۷۰)



در پی افزایش مخالفت‌ها با دولت کمونیستی و درخواست‌های مکرر دولت افغانستان، شوروی در دسامبر ۱۹۷۹ به افغانستان حمله کرد. این تهاجم، با هدف حفظ دولت دست‌نشانده و سرکوب مخالفان صورت گرفت.

بر اساس اظهارات برژینسکی، مشاور امنیت ملی آمریکا، ایالات متحده نیز با ارائه کمک‌های مخفیانه به مجاهدین افغان، به افزایش احتمال مداخله شوروی دامن زد. این اقدام، با هدف تضعیف شوروی و انتقام شکست آمریکا در ویتنام صورت گرفت.

تهاجم شوروی، با مقاومت گسترده مردم افغانستان مواجه شد. مجاهدین افغان، با حمایت کشورهای غربی و اسلامی، به مدت ده سال به مبارزه با نیروهای شوروی پرداختند. این مقاومت، در نهایت منجر به خروج نیروهای شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۹ گردید.

تهاجم شوروی، پیامدهای فاجعه‌باری برای افغانستان داشت. این تهاجم، منجر به کشته شدن صدها هزار نفر، آواره شدن میلیون‌ها نفر دیگر و تخریب گسترده زیرساخت‌های کشور شد. همچنین، زمینه‌ساز جنگ‌های داخلی بعدی در افغانستان گردید.

### ۵. آسیب شناسی تجاوز نظامی شوروی در افغانستان

تجاوز نظامی اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان از دسامبر ۱۹۷۹ تا فوریه ۱۹۸۹، به مدت ده سال، خسارات جبران‌ناپذیری به این کشور وارد کرد. این تهاجم، منجر به تخریب گسترده زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی افغانستان شد و آسیب‌های روحی، جسمی و اقتصادی عمیقی را برای مردم این کشور به همراه داشت. بر اساس اظهارات اشرف غنی، رئیس‌جمهور پیشین افغانستان، خسارات اقتصادی ناشی از این تهاجم، بالغ بر ۲۴۰ میلیارد دلار برآورد شده است. این خسارات، شامل تخریب منازل، مزارع، جاده‌ها، پل‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها و سایر زیرساخت‌های حیاتی کشور می‌شود. (<http://www.m82a1t.blogspot.com>).

علاوه بر خسارات اقتصادی، تهاجم شوروی منجر به تلفات جانی گسترده‌ای نیز شد. بر اساس آمار تخمینی، بین ۵۰۰ هزار تا ۲ میلیون نفر در این جنگ جان خود را از دست



دادند که بخش عمده‌ای از آنها غیرنظامیان بودند. همچنین، میلیون‌ها نفر مجبور به ترک خانه‌های خود و مهاجرت به کشورهای همسایه شدند. آسیب‌های روانی ناشی از این جنگ، از جمله اضطراب، افسردگی و اختلال استرس پس از سانحه، نیز بسیار گسترده بود و نسل‌ها را تحت تاثیر قرار داد. تهاجم شوروی، همچنین، منجر به تضعیف ساختارهای سیاسی و اجتماعی افغانستان شد و زمینه را برای جنگ‌های داخلی بعدی فراهم کرد. به طور خلاصه، تهاجم شوروی، فاجعه‌ای انسانی و ملی برای افغانستان بود که اثرات آن تا سال‌ها پس از خروج نیروهای شوروی نیز ادامه داشت.

### ۶. تهاجم پیمان ناتو در افغانستان

خروج نیروهای شوروی از افغانستان، نقطه عطفی در تاریخ جنگ سرد بود که به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد منجر شد. در این دوران، ایالات متحده با هدف تحقق نظریه "نظم نوین جهانی" جورج بوش پدر، به مداخله نظامی در خاورمیانه و کشورهای اسلامی، از جمله عراق تحت عنوان "حملات پیشگیرانه" و افغانستان تحت عنوان "دفاع مشروع" پرداخت. سقوط رژیم صدام حسین و تلاش برای پیاده‌سازی "نظریه ثبات مبتنی بر سلطه" رابرت کئین، از جمله پیامدهای این مداخلات بود. (عسکرخانی، ۱۳۷۶: ۷۶)

۵۵ پس از حملات تروریستی یازده سپتامبر، ایالات متحده و متحدانش به افغانستان حمله کردند و حکومت طالبان را سرنگون و القاعده را از پایگاه شان در این کشور محروم ساختند. ائتلافی متشکل از ۴۰ کشور، از جمله اعضای ناتو، تحت عنوان نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت (آیساف) در افغانستان مستقر شدند.

در مورد عملکرد ناتو در افغانستان، دو دیدگاه کلی وجود دارد. دیدگاه اول، که رویکردی بدبینانه است، معتقد است که حضور ناتو در افغانستان با هدف مدیریت بحران یا مهار تروریسم نبوده، بلکه به منظور گسترش سلطه، غارت منابع و کنترل کشورهای همجوار صورت گرفته است. این دیدگاه، رفتار سیاسی ناتو به رهبری ایالات متحده را مؤید این ادعا می‌داند.



دیدگاه دوم، که رویکردی خوش بینانه است، معتقد است که ناتو با هدف برقراری ثبات و امنیت در افغانستان و مقابله با تروریسم در این کشور حضور داشته است.

به طور کلی، مداخلات خارجی در طول تاریخ افغانستان، با هدف بهره‌برداری از منابع و گسترش سلطه، منجر به ناآرامی و بی‌ثباتی در این کشور شده است. با این حال، تاریخ افغانستان نشان داده است که مردم این کشور در برابر قدرت‌های خارجی مقاوم بوده و همواره از استقلال و تمامیت ارضی خود دفاع کرده‌اند.

### نتیجه‌گیری

افغانستان، با منابع طبیعی غنی و موقعیت ژئوپلیتیک استراتژیک، در طول تاریخ همواره مورد طمع قدرت‌های استعماری قرار داشته است. این کشور شاهد مداخلات نظامی و سیاسی متعددی بوده که از تجاوزات مستقیم نظامی تا نفوذ فرهنگی و تلاش برای تضعیف هویت ملی و مذهبی را شامل می‌شود.

امپراتوری بریتانیا با هدف بهره‌برداری از منابع و موقعیت جغرافیایی افغانستان، سه جنگ را به این کشور تحمیل کرد. اتحاد جماهیر شوروی نیز به منظور گسترش نفوذ خود و ایجاد یک دولت دست‌نشانده، به مدت ده سال در افغانستان حضور نظامی داشت. هر دو قدرت با مقاومت سرسختانه مردم افغانستان مواجه شده و در نهایت مجبور به عقب‌نشینی شدند.

ایالات متحده و متحدانش در ناتو نیز پس از حملات یازده سپتامبر، به بهانه مبارزه با تروریسم به افغانستان حمله کردند. پس از دو دهه حضور نظامی، آنها نیز با مقاومت فزاینده مردم و عدم موفقیت در دستیابی به اهداف خود، از افغانستان خارج شدند.

این مداخلات خارجی، علاوه بر خسارات جانی و مالی، باعث تشدید اختلافات داخلی و تفرقه‌های قومی و مذهبی در افغانستان شده است. قدرت‌های استعماری با بهره‌گیری از این اختلافات، سعی در تضعیف وحدت ملی و تحمیل اراده خود داشته‌اند. با این حال، مقاومت مردم افغانستان در برابر اشغالگران، نشان‌دهنده عزم راسخ آنها برای حفظ استقلال و هویت ملی خود است.



مقاومت مردم افغانستان در برابر قدرتهای استعماری، نقش مهمی در حفظ استقلال و تمامیت ارضی این کشور داشته است. با این حال، مداخلات خارجی و اختلافات داخلی، چالش‌های جدی را برای توسعه و ثبات افغانستان ایجاد کرده است. مردم افغانستان با الهام از تاریخ پرفراز و نشیب خود، باید برای غلبه بر این چالش‌ها و ساختن آینده‌ای روشن‌تر تلاش کنند.



## فهرست منابع

۱. بینش، محمد وحید، (۱۳۸۸)، افغانستان معاصر و چالش سامان سیاسی کابل: مرکز مطالعات و تحقیقات راهبردی افغانستان،
۲. پاپلی، محمد حسین، (۱۳۷۲)، افغانستان، جنگ و صلح بی‌م، بی‌نا،
۳. حقجو، میرآقا، (۱۳۸۰)، افغانستان و مداخلات خارجی، قم: انتشارات مجلسی.
۴. سروقد مقدم، ابوالحسن، (۱۳۶۶) جنگ افغانستان، دخالت شوروی و نهضت مقاومت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی
۵. صدیق فرهنگ، (۱۳۸۸)، میرمحمد، افغانستان در پنج قرن اخیر جلد سوم، تهران، عرفان
۶. عسکرخانی، ابومحمد (۱۳۷۶-۷۵) «آخرین موج در تئوری‌های روابط بین الملل»، تهران: دانشکده حقوق بین الملل
۷. غبار، میرغلام محمد، (۱۳۷۵)، تاریخ افغانستان در مسیر تاریخ قم: صحافی احسانی
۸. اقدامات نظامی شوروی پیش از اشغال افغانستان <https://fa.wikipedia.org>
۹. جنگ اول افغان و انگلیس. <http://fararu.com/fa>
۱۰. جنگ دوم افغان و انگلیس. <http://fararu.com/fa>
۱۱. خسارت افغانستان در جنگ شوروی. <http://www.m82a1t.blogspot.com>
۱۲. کودتای هفت ثور: [http://en.wikipedia.org/wiki/Soviet\\_war\\_in\\_Afghanistan](http://en.wikipedia.org/wiki/Soviet_war_in_Afghanistan)
۱۳. <https://fa.wikipedia.org/>

